

چگونگی صرف فعل‌ها در زبان پارسی

چندی پیش در وبنوشتی مطلبی را دیدم با این مضمون که در زبان پارسی افعال بی‌قاعده وجود دارد و این ویژگی را ضعف زبان دانسته بود و ...

در نگاه نخست به نظرم آمد که آموختن افعال بی‌قاعده دشوارتر از آموختن افعال باقاعده است (البته برای کسانی که زبان فارسی را آگاهانه می‌آموزند و نه آنهایی که در کودکی آنرا ناآگاهانه یاد می‌گیرند). همین مطلب باعث شد به این موضوع بیان‌دیشم که چرا در بیشتر زبانها بی‌قاعده‌گی وجود دارد و دلیل پیدایش آن چیست، که حاصل آن نوشته‌ایست که در پی می‌آید .

با توجه اینکه زبان در طی سالیان سال توسط انسان تکمیل شده و در بسیاری موارد هم این تکمیل با قواعدی همراه بوده و اساساً انسان نمی‌توانسته بدون ایجاد قوانینی دست به تکمیل زبان بزند چرا که زبان یک سامانه‌ی بزرگ است و بدون قاعده نمی‌توان چنین سامانه‌ای را پی‌ریخت مگر در موارد اندک و در سطح کوچک. اما چرا در مورد افعال بی‌قاعده که بخش بزرگی از افعال زبان ما را شامل می‌شود، این اتفاق افتاده است؟ آیا نیاکان ما هنگام ساخت هر فعل دست به نوآوری می‌زدند و از هیچ قانونی پیروی نمی‌کردند؟

در جدول زیر نمونه‌ای از افعال باقاعده و بی‌قاعده آورده شده است. همانگونه که می‌بینید در افعال با قاعده به‌سادگی فعل صرف می‌شود و آموختن آن نیز بسیار آسان است ولی در افعال

بی قاعده، هر کدام از این نمونه‌ها بگونه‌ای متفاوت صرف می‌شوند. اگر چه به سلیقه‌ی من این افعال زیباتر و خوش آواتر هستند و پیچیدگی آنها زیبایی خاصی به آنها می‌بخشد ولی آموختن آنها نیز به همان اندازه دشوارتر می‌نماید .

جدول ۱- افعال باقاعده

مصدر فعل	بن مضارع	بن ماضی	قانون صرف
دوشیدن	دوش	دوشید	افزودن اید
رسیدن	رس	رسید	افزودن اید
پریدن	پر	پرید	افزودن اید
پیچیدن	پیچ	پیچید	افزودن اید
رنجیدن	رنج	رنجید	افزودن اید
دمیدن	دم	دمید	افزودن اید

جدول ۲- افعال بی قاعده

مصدر فعل	بن ماضی	بن مضارع	قانون صرف
بختن	بخت	بخت	؟
خواستن	خواه	خواست	؟
خفتن / خوابیدن	خواب	خوابید	؟
شستن	شوی	شست	؟
دانستن	دان	دانست	؟

اگر بخواهیم هر کدام از این نمونه‌ها را بیشتر واکاویم بهتر است نمونه‌های بیشتری را بررسییم، در جدول‌های زیر نمونه‌های همانند در یک جدول گذاشته شده‌اند تا بتوان آنها را همسنجید .

جدول ۳- گروه فعلی یک

بن مضارع	مصدر فعل
بِز	بِختن
ساز	ساختن
گداز	گداختن
سوز	سوختن
بِیز	بِیختن (به معنی الگ کردن)
انداز	انداختن

آنچه که بسیار جالب توجه است این است که در همه‌ی این نمونه‌های همانند، "خ" تبدیل به "ز" شده است و این قطعا نمی‌تواند یک تصادف بوده باشد. نتیجه‌ی اولیه‌ی ای که می‌توان گرفت این است که افعالی که تاکنون بی‌قاعده نامیده می‌شده‌اند، چندان هم بی‌قاعده نیستند و شاید اصلا بی‌قاعده نباشند! برای بررسی بیشتر این فرضیه، نمونه‌های دیگری را نیز می‌آزماییم .

جدول ۴- گروه فعلی دو

بن مضارع	مصدر فعل
خواب	خفتن
روب	رفتن
کوب	کوفتن
یاب	یافتن
تاب	تافتن

داستان جذاب‌تر شد، همانگونه که می‌بینید در همه‌ی این افعال، "ف" به "ب" تبدیل شده است، و این فرضیه را به واقعیت بیشتر نزدیک می‌کند. اجازه بدهید نمونه‌های دیگری را نیز بیازماییم .

جدول ۵- گروه فعلی سه

فعل	بن مضارع	قانون تبدیل
شستن	شوی	«س» تبدیل به «ی»
رستن	روی	«س» تبدیل به «ی»
جستن	جوی	«س» تبدیل به «ی»
گریستن	گری	«س» تبدیل به «ی»
آراستن، پیراستن، ویراستن	آرای، پیرای، ویرای	«س» تبدیل به «ی»

جدول ۶- گروه فعلی چهار

فعل	بن مضارع	قانون تبدیل
دانستن	دان	حذف «س»
مانستن	مان	حذف «س»
پارستن	پار	حذف «س»
شایستن	شای	حذف «س»
بایستن	بای	حذف «س»

جدول ۷- گروه فعلی پنج

فعل	بن مضارع	قانون تبدیل
داشتن	دار	تبدیل «ش» به «ر»
گاشتن	کار	تبدیل «ش» به «ر»
پنداشتن	پندار	تبدیل «ش» به «ر»
انگاشتن	انگار	تبدیل «ش» به «ر»
انباشتن	انبار	تبدیل «ش» به «ر»
گماشتن	گمار	تبدیل «ش» به «ر»

جدول ۸- گروه فعلی شش

قانون تبدیل	بن مضارع	فعل
تبدیل «ش» به «ه»	ره	رستن
تبدیل «ش» به «ه»	چه	جستن

در زبان‌های هند و اروپایی دیگر نیز چنین ویژگی‌ای وجود دارد. به یک نمونه از زبان انگلیسی بسنده می‌کنم .

جدول ۹- یک نمونه از زبان انگلیسی

Verb	Past tense
Creep	Crept
Sleep	Slept
Keep	Kept

نکته‌ای که در بررسی افعال و جای دادن آنها در گروه‌های فعلی درست باید در نظر گرفته شود این است که ریخت کهن فعل را نیز باید در نظر گرفت (شکستن و اشکستن). نکته‌ی دیگر اینکه استثنا و بی‌قاعده‌گی در فرآیند تکمیل زبان، طبیعی است به ویژه در زبان‌هایی مانند پارسی که قدمت نوشتاری آنها زیاد است. با بررسی این شش گروه فعلی می‌توان به این نتیجه رسید که افعال به ظاهر بی‌قاعده در زبان پارسی نه تنها بی‌قاعده نیستند که قواعد زیبا و درخور توجهی دارند (و به نظر می‌رسد این قواعد تبدیل دلایل آواشناختی دارد که می‌تواند انگیزه‌ای

برای پژوهش دیگری باشد) و بهتر است آنها را بی‌قاعده ننامیده و نام دیگری برای آنها

برگزینیم .